

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

پیغام آنی

گرفتم نامه لطف و، صفا و، مهربانی را
میان واژه ها پیچیده فخر زندگی را
ز هر زیر و زبر، هر شد و مد و نقطه و حرفش
عیان دیدم، صفای دلبری و دلستانی را
ادای جرئتش نازم، که تخم مهر می کرد
زمین شوره زار دل، امید باغبانی را
ز عطر سنبل گیسوی پیغامش، گل خاطر
نوید تازگی بخشد، چنین برگ خزان را
حریر آشنایی ها، عقب زنگ خطر دارد
به اندک لرزشی افشا کند راز نهانی را
بنازم قاصد کویش، که بی پرسش همی خواهد
به سرعت، پاسخ عاجل، حدیث کامرانی را
رقم کردم جوابش را، به رسم الخط (لاتینی)
ز خون دل به برگ گل، نشان جاودانی را

شود فخری نصیبم گر قبولِ خاطرش گردد
که برق آسا فرستادم ، چنین پیغامِ آنی را
اگر سهو و خطائی بود ، خواهم معذرت از او
که اینجا نیست امکانِ نوشتِ چند زبانی را
ولی بعدا حضورش می فرستم با خطِ (درّی)
که داند قدرِ این گستاخِ بی نام و نشانی را
ز «نعمت» یادگارییی به باغِ خاطرش چون گل
ز رنگ و بوی خود باقی ، کند اوراقِ فانی را